

مزمور ۱۸، آیه های ۱-۲۴ پیروزی خداوند

(کلیسای مرکزی مسیحیان شفیلد، یکشنبه ۸ سپتامبر ۲۰۲۴)

ارتباط قلبی: سروده ای هست که قبلاً با آن آشنا هستیم با این کلمات: «دوستت دارم، پروردگار. و صدایم را بلند می کنم؛ برای پرستش تو؛ ای جانم شاد باش پادشاه من. در آنچه می شنوید؛ باشد که در گوش تو صدایی گوش نواز و طنین انداز باشد» (لوری کلاین، ۱۹۷۸). سروده کوتاه جالبی است و بیانگر ارادت و عشق عمیق به خداوند است. من هنوز این شعر را دوست دارم و برای خواندن آن تلاش می کنم و یکی از دلایل آن این است که تعجب می کنم: آیا من واقعاً خداوند را دوست دارم؟ یا من فریب کارم؟ گفتن "من تو را دوست دارم، خداوند" مفهوم بزرگی است، اگر بگویم، می خواهم از صمیم قلب بگویم. شما چطور؟

مفهوم: مزمور ۱۸ ما را دعوت می کند که شخصاً بگوییم، v1، "من تو را دوست دارم، ای خداوند." آنگاه مزامیر دلایل قلبی را به ما می دهد که می توانیم آن را بگوییم و معنا کنیم. این مزموری طولانی است بنابراین روی آیه 24-1 تمرکز می کنیم.

۱- عشق خود را به زبان بیاورید (v1-2): (v1-3) پر از هیجان در مورد خدا است. کلمات به سرعت، شدیداً و با احساس واقعی فرو می ریزند، «تو را دوست دارم، ای خداوند، قوت من. ۲ خداوند صخره و قلعه من و نجات دهنده من است، خدای من، صخره من، که به او پناه می برم، سپر من، و کلید نجات من، سنگر من».

خداوند با حروف بزرگ (انگلیسی) است که به معنای نام خاص خداست - یهوه، نامی که خدا در بوته سوزان در خروج به موسی نازل کرد. یعنی "من همانی هستم که هستم". مانند بوته سوزان، که در آتش بود، اما نسوخت، خداوند - یهوه - من هستم که هستم، خدایی است که زندگی، جلال، قدوسیت و قدرت در شخص خودش است که ازلی است. او جهان را آفرید و همه آن را با قدرت خود حفظ کرد و او به هیچ کس و هیچ چیز نیاز ندارد تا او را برای همیشه و همیشه در تمام شکوه و عظمت خود ادامه دهد.

این خداوندی است که مزامیر ما را به عشق دعوت می کند. خداوند، درست همانطور که با موسی کرد، خود را شخصاً به داوود که مزمور ۱۸ را نوشت، معرفی کرد. قدرت من (آیا قدرت بزرگتری وجود دارد؟) صخره من (آیا کسی امن تر وجود دارد؟)، قلعه من (آیا مکان امن تری وجود دارد؟)، نجات دهنده من (آیا قهرمان قدرتمندتری وجود دارد؟)، سپر من (آیا دفاع کامل تری وجود دارد؟)، نجات من (این است؟ نجات دهنده شگفت انگیزتری وجود دارد؟)، سنگر من (آیا همراه قوی تری برای قلب، روح، احساسات و زندگی من وجود دارد؟).

خداوندی که بر همه است و به هیچ چیز و هیچ کس نیاز ندارد، محافظ من، ثبات و امنیت من است. آیا او را شخصاً می شناسید؟ بله؟ سپس محبت خود را نسبت به او بگویید: «ای خداوند دوست دارم.» شاید هنوز او را نشناسید، مزمور بعدی شما را با خودتان و سپس شما را با خداوند آشنا می کند، بنابراین او را می شناسید و می توانید از صمیم قلب بگویید: "دوستت دارم، ای خداوند." بیایید ببینیم مزمور چگونه ما را به خودمان معرفی می کند.

۲- خطر را به جان بخرید: (6-7) این تنها جایی نیست که مزمور ۱۸ در کتاب مقدس آمده است. در کتاب دوم سموئیل فصل ۲۲، در پایان زندگی پادشاه داوود آمده است. این به نوعی "زندگی در سروده" داوود است - زندگی با تهدید و خطر دائمی از سوی انواع دشمنان و خداوند ناجی و نجات دهنده دائمی و ثابت او بود. همانطور که عنوان می گوید: "مزمور داوود، بنده خداوند، که کلمات این سرود را در روزی که خداوند او را از دست همه دشمنان خود و از دست شائول نجات داد، به خداوند خطاب کرد.»

آیه 5-7 خطر را توصیف می کند. مردی در حال غرق شدن را به تصویر می کشد: «طناب های مرگ مرا احاطه کرده بودند (مثل شاخک های یک هیولای دریایی شبیه ماهی مرکب که دستش را دراز می کند و او را می گیرد و زیر آب می کشد). سیلاب های ویرانی به من حمله کردند (مثل سونامی وحشتناکی که او را بلند کرد و با خود برد). طناب های شئول (یعنی مرگ) مرا گرفتار کرد. تله های مرگ (حسی شبیه حیوان به دام افتاده، در دام مرگ) با من روبرو شد.» و این صحنه ای ترسناک است.

این تجربه زندگی داوود بود و حائز اهمیت است که ببینیم خطر داوود هم می تواند خطر ما باشد. ما باید با آن بیدار و هوشیار باشیم. ما فانی هستیم و شما خواهید مرد. سروش مرگ و دام های مرگ شما را در هم می بندند، به دام می اندازند و به پایین می کشانند. هیچ قدرتی، پزشکی، شغلی، آموزشی، درآمدی، بیمه ای، مراقبت های بهداشتی و نه هیچ رژیم غذایی ... نمی تواند مانع دستان مرگ به سمت گور شود. مزامیر ما را با این خطر روبرو می کند.

تصور می کنم که زمان عذرخواهی است و باید صراحتاً بیان کنم، اما عذرخواهی از طرف خدا و کلام او جاهلانه است! رک گویی خدا یک مهربانی است زیرا می خواهد ما را بیدار کند تا ببیند ما به یک نجات دهنده نیاز داریم. راه ابراز عشق واقعی ما به خداوند این است که خطری را که در آن قرار داریم ببینیم و از او کمک بخواهیم، v6:

«در غم خود، خداوند را خواندم. به خدا من فریاد زدم که مرا یاری رساند. در آسمان صدای مرا شنید و فریاد من به او به گوش او رسید در آیه v3 چیزی مشابه می گوید: "من خداوند را می خوانم که شایسته ستایش است و از دست دشمنانم نجات می یابد." گریستم. صدایش زدم و نجاتم داد! اعجاب انگیز است که با خطر روبرو شویم. خداوند را صدا کن بدانید او صدای شما را می شنود و به او بگو که دوستش داری! مزامیر سپس شما را به ...

۳- در منجی غوطه ور شوید. در آیه v7-15: (v7-19) توصیف کنید، و خوب است که این را با صدای بلند بگویید، خدای بسیار خشمگین و واقعاً عصبانی v7!، «سپس زمین پیچید و تکان خورد. پایه های کوه ها نیز می لرزید و می لرزید، زیرا او خشمگین بود.» سپس خشم او این گونه توصیف می شود.

در آیه v8 دود از سوراخ های بینی و آتش از دهانش بیرون می ریزد. در v9 او آسمانها را می شکافد و می شکند و سوار بر کروی، در آیه v10، به زمین می آید. این کروی های چاق و بامزه نیستند، بلکه کروی های بهشتی هستند - شمشیرهای ترسناک و شعله ور در دست، نیروهای ویژه خدا که از راه بازگشت به درخت زندگی در پیدایش ۳ از فرشتگان محافظت می کنند. در v11-13 تاریکی، طوفان هولناک، رعد و برق و تگرگ

وجود دارد که با آمدن خدا ایجاد می شود ... علاوه بر زلزله هایی که در حال حاضر اتفاق می افتد. در v14 خدا با تمام دشمنان خود جنگ می کند و آنها را نشانه می گیرد و می پراکند و بر آنها پیروز می شود.

کار خدا حیرت آور است. ما باید درک کنیم که او چقدر از رفتاری که پادشاه منتخبش (داوود) از جانب دشمنانش دریافت کرد، عصبانی است. سپس آیه ۱۶-۱۹ لحظه نجات را توصیف می کند: «او از بالا فرستاد، مرا گرفت. او مرا از آبهای بسیار بیرون کشید. ۱۷ او مرا از دست دشمن نیرومندم و از دست کسانی که از من متنفر بودند، نجات داد، زیرا آنها برای من نیرومندتر از آن بودند. ۱۸ آنها در روز مصیبت من با من مقابله کردند، اما خداوند تکیه گاه من بود. بیرون آمدن به یک مکان وسیع؛ او مرا نجات داد، زیرا از من لذت می برد.» بنابراین داوود از صمیم قلب خود می گوید: "من تو را دوست دارم ای خداوند".

دوباره به v16 نگاه کنید. چیزی هست که باید ببینیم اگر ناندیده بگیریم مساله مهمی را از دست خواهیم داد و به جایگاه عشقی که مزبور می خواهد ما را به آن برساند، نخواهیم رسید. این عبارت "من را بیرون کشید" است. این در یک مکان دیگر در کتاب مقدس استفاده می شود و این کلمه ریشه یک نام معروف کتاب مقدس است. نام معروف کتاب مقدس که از «مرا بیرون کشید» آمده است موسی است. به یاد می آوری وقتی که او نوزادی بود؟ مادرش سبوی درست کرد و او را در رودخانه نیل دور از دست پادشاه قاتل مصر پنهان کرد. موسی را شاهزاده مصر پیدا کرد و او را موسی نامید زیرا او را از آب بیرون کشید.

این آیه به ما کمک می کند تا مزبور را بهتر درک کنیم. بدون آن مزبور گنگ خواهد بود به نحوی که پاسخ خدا را به دعای یک مرد غرق شده توصیف می کند. به نظر می رسد که پاسخ خدا نامتناسب است. زمین لرزه های وسیع، طوفان ها، سوراخ های بینی خرخر، دهان شعله ور، شکافتن آسمان ها، طوفان هایی که اقیانوس ها را تخلیه می کنند (v15)، پراکنده کردن و سرنگونی دشمنان ... همه در پاسخ به دعای یک غریق! واقعا؟ خوب بستگی دارد که چه کسی غرق می شود!

مزامیر مشتاقانه منتظر موسی جدید است. موسی قوم خدا را از بردگی در مصر نجات داد و موسی جدیدی آمد - عیسی مسیح، کسی که خدا از مرگ بیرون کشید. از بدو تولد، دشمنان عیسی به تعقیب، مخالفت و نقشه مرگ او پرداختند. تا اینکه سرانجام دستان مرگ به دور او حلقه زدند و او را در تاریکی پایین کشیدند در حالی که بر روی صلیب مصلوب شد و در مقبره دفن شد.

کتاب مقدس می‌گوید: «عیسی با شیون و گریه‌های بلند برای کسی که توانست او را از مرگ نجات دهد، دعا و نیایش کرد و به دلیل احترامش شنیده شد) «عبرانیان ۵ (۷۷) عیسی دعا کرد و او شنیده شد. پدرش عصبانی بود و به شدت از اتفاقی که برایش افتاده عصبانی است. در روز سوم پس از مرگ او، کتاب مقدس می‌گوید، مانند مزمور ۱۸، زمین لرزه‌ها، فرشتگان و سربازان از ترس پراکنده شدند، زیرا خدای پدر نازل شد و پسرش را از مرگ بیرون کشید و او را زنده کرد. این باعث می‌شود که قلب ما از نجات خدا از طریق عیسی شادمان شویم و در نهایت ما باید ...

۴- درباره عدالت او تأمل کنید v20-24: (v20-24) تنها زمانی معنا دارد که مزمور در نهایت درباره عیسی باشد. چرا خدا پادشاهش را نجات داد؟ خداوند بر اساس عدالت من با من رفتار کرد و مطابق پاکی دستانم به من پاداش داد. زیرا من راههای خداوند را نگاه داشته ام و با شرارت از خدای خود عدول نکرده ام. در برابر او بی‌عیب بودم و خود را از گناه خود دور نگه داشتم. ۲۴ پس خداوند برحسب عدالتم و به پاکی دستانم در نظرش به من پاداش داد».

آیا داوود می‌تواند این سخن را بگوید؟ نه. آیا شما یا من می‌توانید این را بگوییم؟ نه. فقط عیسی می‌تواند. این آیات دو بار از پاکی دستان من سخن می‌گویند. فقط عیسی دست‌های پاکی داشت - یعنی در هر کاری که انجام می‌داد کاملاً اخلاقی بود. شخصی گفت: «دست‌های عیسی به قدری پاک بود که وقتی جذامی را لمس کرد، جذامی پاک شد، در حالی که عیسی ناپاک نشد!».

نکته قابل توجه و معجزه آسا این است که عیسی با مردن برای ما همه کسانی را که به او ایمان آورده اند از عواقب گناهانمان - v20-24 گناه، شرم و ناپاکی روحانی پاک کرده است. از همه دلایل نمی‌توان گفت

مرگ - نجات داده است. او واقعاً موسی نجات‌دهنده جدید است - که خود از مرگ بیرون کشیده شده و اکنون کسی است که ما را از گناه و مرگ بیرون می‌کشد. پس این در مورد عیسی صادق است و اکنون در مورد هر کسی که به او تعلق دارد صادق است. چه منجی است او! «من تو را دوست دارم ای خداوند».

نتیجه‌گیری: منطق مزبور مرا به یاد آن زن گناهکاری می‌اندازد که عیسی را در یک مهمانی که در آن عده زیادی جمع شده بودند، دوست داشت و او را پرستش کرد. رفتن به خانه به خودی خود شگفت‌انگیز بود - او در شهر شهرت داشت و همچنین می‌دانست که مذهبی‌ها در مورد او چه فکر می‌کنند. این که او به عیسی نزدیک شود و عطر گران قیمت خود را روی او بریزد و در واقع، خودش را مانند او بیرون بریزد، بسیار شگفت‌انگیز بود. نمایش عشق او - ستایش او، اشک هایش، سرازیر شدن او از عطر گران قیمت - از اعماق قلب بود.

او به زانو افتاد و گریست و اشک‌های او روی پای عیسی ریخت. پاهای او را با اشک شست و با موهایش خشک کرد. پاهایش را بوسید. آیا می‌توانید صحنه و نظر مذهبی‌ها را تصور کنید؟ عشق او به عیسی به طور کامل مهمانی را در بر گرفت. رایحه عطر گران قیمت باید بر همه رایحه‌های خانه غلبه کرده باشد. چرا اینقدر عشق؟ عیسی گفت: «گناهان او - در حالی که بسیار است - بخشیده شده است، بنابراین او به من محبت زیادی نشان داده است.» (لوقا ۷ در ۴۷) "من تو را دوست دارم ای خداوند».